# 941211-713

**‌‌‌‌‌‌سه‌شنبه – جلسۀ 88**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

راجع به بحث ازدواج قبل از طواف نساء به این نتیجه رسیدیم که ظاهر مطلب این است که حق با امام هست که احتیاط واجب این است که قبل از طواف نساء ازدواج نکند؛ چون دو مقدمه را ما با هم ضمیمه کردیم، با ضمیمه این دو مقدمه فرمایش امام تثبیت می‌شود. کسی که می‌خواهد خلاف این فرمایش را بگوید باید یکی از این دو مقدمه را تخریب کند.

مقدمه اولی این بود که ظاهر بقاء حرمت نساء تا قبل از طواف نساء، این است که ممنوع هست این شخص از زنان مطلقا و لو به لحاظ ازدواج با این ها.

و این به نظر ما ثابت هست؛ خصوصا که قبل از حلق و تقصیر ازدواج با زنان هم بر این محرم حرام شده بود. استمتاع هم حرام شده بود. حالا می‌گویند حرمت زنان باقی است تا قبل از طواف نساء.

مقدمه ثانیه این است که بگوییم این اطلاق حرمت نساء تا قبل از طواف نساء معارض ندارد؛ چون معارضش یا صحیحه فضلاء است که گفت فاذا فعلت ذلک حل لها کل شیء الا فراش زوجها که ما گفتیم این زن فرض شده که شوهر دارد، ازدواج مجدد در او معنا ندارد. زنی است که حائض شد، طواف عمره تمتعش را بعد از رجوع از منی قضا کرد امام می‌فرماید طواف و سعی را که بجا بیاورد همه چیز حلال می‌شود بر او مگر فراش زوجش که عرض کردیم این ظاهرش این است که شوهر فرض شده است برای او و اگر طلاق هم بخواهد بگیرد باید عده نگه دارد همین‌طوری که نمی‌تواند شوهر بگیرد.

اما صحیحه هشام و صحیحه حلبی که می‌گفت که لاباس ان تؤخر الطواف

[سؤال ... جواب:] فعلا بحث ازدواج هست.

اما صحیحه هشام و صحیحه حلبی: لاباس ان تؤخر الطواف و السعی الی بعد ایام التشریق و لکن لاتقرب النساء و الطیب. که گفته می‌شود نهی از نزدیکی با زنان و طیب ظهور دارد در نهی از جماع یا مطلق استمتاعات. و این ظهور دارد در حصر. معلوم می‌شود ازدواج با زن اشکال ندارد. که این هم ما جواب دادیم. گفتیم هیچ ظهوری در حصر ندارد.

یک کسی که طواف و سعیش تاخیر می‌افتد عرفی است به او بگویند طواف و سعیت عیب ندارد تاخیر بیفتد ولی مواظب باش از زن و عطر اجتناب کن. اظهر مصادیق اظهر محرمات احرام را که بر او باقی است به او گفتند. ظهور ندارد در حصر محرمات احرام در این دو چیز. اگر این‌ها را بگوییم دیگه معارض هم پیدا نمی‌کند یحرم النساء قبل طواف النساء.

و این می‌شود وجه فرمایش حضرت امام.

کسی که بخواهد اشکال کند باید یکی از این دو مقدمه را خراب کند. یا بگوید یحرم النساء انصراف دارد به استمتاعات که مرحوم ‌آقای خوئی فرمود یا خصوص جماع که آقای داماد فرمود. که این به نظر ما درست نیست. یا باید بگوید که مقدمه ثانیه درست نیست. یعنی این روایات صحیحه فضلاء و صحیحه حلبی و هشام ظهورشان در جواز ازدواج است.

اگر این مقدمه ثانیه را کسی ابطال کرد گفت ظهور این روایات مثل صحیحه فضلاء و صحیحه حلبی و هشام در تجویز ازدواج هست قبل از طواف نساء، تعارض می‌کنند با آن اطلاق یحرم النساء و بعد از تعارض جا دارد که کسی رجوع کند به احل لکم ما وراء ذلکم بگوید اصل با حلیت ازدواج است در غیر موارد مندوحه.

ما با بیانات روزهای قبل دفاع کردیم از امام. گفتیم مقدمه ثانیه هم درست است. انصاف این است که و لکن لاتقرب النساء و الطیب ظهور در حصر ندارد. اگر ظهور در حصر داشت، پس باید فقط جماع را بگوییم حرام است. چون لاتقرب النساء ظاهر است در نهی از جماع. کسانی که مطلق استمتاعات را حرام می‌دانند مثل آقای سیستانی و ‌آقای زنجانی معلوم می‌شود که لاتقرب النساء را ظاهر نمی‌گیرند در نهی از خصوص جماع.

[سؤال ... جواب:] حالا صحیحه معاویة بن عمار که من قبل امرأته و لم‌‌تطف هی للنساء را آقایان که گفتند معرض‌‌عنه اصحاب است. نمی‌دانم. او را فتوی به او ندادند.

ممکن است کسی بگوید این مقدمه ثانیه را می‌شود ابطال کرد با این‌که دلالت صحیحه فضلاء را به فحوی درست کنیم. با فحوی نه با دلالت مطابقیه. چطور؟ می‌گوییم این روایت که می‌گوید: حل لها کل شیء الا فراش زوجها، فراش زوج خصوص جماع هست عرفا نه مطلق استمتاعات. و لذا بقیه استمتاعات غیر از جماع داخل می‌شود در عقد مستثنی‌منه که حل لها کل شیء. غیر از جماع بقیه استمتاعات حلال بشود بالاولویة ازدواج هم حلال می‌شود. پس صحیحه فضلاء دلالت می‌کند بر جواز ازدواج بالاولویة نه بالمطابقة.

و لذا این صحیحه فضلاء دلالتش تمام می‌شود.

این مطلب دو تا ایراد دارد:

یک ایراد این است که کدام اولویت؟ حالا زن دارد. استمتاع می‌برد از این زن. اما برود ازدواج مجدد بکند شاید تا قبل از طواف نساء ممنوع باشد. چه می‌دانیم؟

[سؤال ... جواب:] مثل اجماع مرکب می‌شود. احداث قول ثالث در اجماع مرکب که اشکال ندارد. ... چون دلیل دیدند گفتند استمتاعات حرام است ازدواج جائز است. چون دلیل اینطور اقتضاء می‌کرد برای این آقایان. حالا ممکن است برای کسی دلیل از یک طرف دیگر اقتضاء کند ازدواج حرام است ولی استمتاعات دیگر حلال است غیر از جماع. تابع دلیل هستیم. اجماع مرکب هم که حجت نیست.

هذا اولا. و ثانیا: خوب گوش بدهید. این اطلاق فرض این است طرف معارضه است به لحاظ بقیه استمتاعات. مدلول مطابقی طرف معارضه است با آن اطلاق حرمت نساء. وقتی مدلول مطابقی طرف معارضه بود مدلول مطابقی می‌گوید استمتاعات خارجیه غیر از جماع حلال است داخل می‌شود در عقد مستثنی منه. خود این طرف معارضه است با اطلاق حرمت نساء. مدلول التزامی که تابع مدلول مطابقی است. آن هم می‌شود طرف معارضه. و اگر مدلول مطابقی توسط صحیحه معاویة بن عمار که رجل قبّل امرأته تخصیص بخورد، مدلول مطابقی که جواز استمتاعات غیر از جماع است تخصیص بخورد با صحیحه معاویة بن عمار که من قبل امراته خب مدلول التزامی‌اش که جواز ازدواج است از کار می‌افتد.

[سؤال ... جواب:] یحرم النساء شامل حرمت استمتاع می‌شود. ... ببنید! شما مدلول مطابقی صحیحه فضلاء که جواز استمتاعات غیر از جماع است اولا مخصص دارد: صحیحه معاویة بن عمار: رجل قبل امرأته. و مدلول التزامی هم تابع مدلول مطابقی است. وقتی حجیت مدلول مطابقی از کار افتاد او هم از کار می‌افتد. و اگر هم مخصص نداشته باشد نسبتش با یحرم النساء عموم من وجه است. و در مورد اجتماع که حرمت استمتاعات است ما رجوع کردیم به استصحاب. استصحاب گفت هنوز استماعات حرام است طبق نظر مشهور. خب چطوری بیاییم تجویز کنیم عقد را؟ وقتی مدلول مطابقی از کار افتاد مدلول التزامی دیگر حجیتی ندارد.

یک مطلب هم عرض کنم این بحث را تمام کنیم.

خلاصه عرض من این است که این‌که امام احتیاط واجب کرده عقد ازدواج قبل از طواف نساء جائز نیست و باطل است فی محله. صدر من اهله و وقع فی محله. چرا؟ برای این‌که مشتمل بر دو مقدمه هست: یکی اطلاق یحرم النساء و دوم تخریب اطلاقات معارض که ما به نظرمان هر دو مقدمه تمام است.

و اگر کسی بیاید بگوید من قبول ندارم مقدمه ثانیه را، من قبول ندارم که این صحیحه فضلاء یا صحیحه هشام و حلبی ظهور ندارند در جواز ازدواج، نخیر، این‌ها ظهورشان در جواز ازدواج است، ظاهر و لاتقرب النساء و الطیب حصر است، یا به قول ایشان مدلول التزامی حل لها الا فراش زوجها این است که استمتاعات خارجیه وقتی جائز است فقط فراش و وطئ جائز شد ازدواج هم بالاولویة یا قیاس مساوات جائز است، بر فرض این را پذیرفتیم، و این‌ها همه با هم تعارض کردند، ممکن است باز کسی تقویت کند نظر امام را با این بیان که بگوید:

عموم احل لکم ما وراء ذلکم ظاهرش این است که موانعی که در زن‌ها هست که مادرزن است خواهر است، جمع بین زن و خوهر زن است، زن شوهردار است، این‌ها را مطرح کرده، اما یک چیزهایی که مانع از صحت عقد است، نه مانعی که در زوجه هست، مانعی که مانع از صحت عقد است، مثلا عقد در شب اگر فرض کنید جائز نبود، این آیه کاری به او ندارد، عقد در احرام هم اگر جائز نبود،‌ عقد قبل از طواف نساء هم جائز نبود عرفا این‌ها از شرائط عقد است. شرط عقد است. شرط عقد را که آیه بیان نمی‌کند. آیه شرائط زوجه را بیان می‌کند که زوجه باید خواهرت نباشد مادرت نباشد، مادر زنت نباشد و هکذا. اما این‌که عقد ازدواج در حال احرام نباشد این مربوط به شرائط عقد است و آیه ناظر به این‌ها نیست. اگر کسی این‌طور بگوید باز بعد از تعارض این ادله دلیلی بر صحت عقد ازدواج قبل از طواف نساء ندارد. اصالة الفساد محکم است.

ما حالا ادعای‌مان در حد لایبعد این بود که بگوییم احل لکم ما وراء ذلکم اطلاق دارد. بالاخره این عقد بر محرم و محرمه هم این‌ها بالاخره می‌تواند داخل باشد در عموم احل لکم ما وراء ذلکم. ولی انصاف این است که لیس بذلک وضوح.

حالا ما فرمایش آقای زنجانی را نمی‌گوییم. ایشان می‌گویند این آیه فقط راجع به محرمات نسبی و سببی است. و لذا از محرمات بالعقوبة هیچ یادی نکرده. نه؛ ممکن است بگوییم بالاخره محرمات بالعقوبة این آیه ظاهرش این است که زنا به ذات بعل این داخل در احل لکم ما وراء ذلکم است. مخصص داریم اگر مخصصی داشته باشیم. و لکن بعضی از شرائط شرائط عقد است و لو به تکلف می‌شود برگرداند به شرائط متعاقدین. می‌گوید در حال احرام ازدواج نکنید شرط عقد است. مثل این‌که شرط طلاق این است که در حال حیض نباشد. شرط نکاح هم این است که در حال احرام نباشد. این غیر از این است که بخواهد شرائط زوجه را بگوید. آیه ممکن است بگوییم شرائط زوجه را می‌گوید.

و لذا ادعای اطلاق در آیه به آن وضوحی که ما اول می‌خواستیم ادعا کنیم نیست. و لذا همین فرمایش امام که الاحوط وجوبا عدم الازدواج چه در عمره مفرده چه در حج قبل از طواف نساء اگر حالا اشتباها عقد خواندند بعد از طواف نساء احتیاط این است که تکرار کنند.

 از این بحث بگذریم.

طواف النساء و صلاته.

کلام واقع می‌شود در جهاتی:

جهت اولی این است که شکی نیست که طواف نساء در حج واجب است.

صاحب جواهر هم گفته که لااجد فیه خلافا بل الاجماع بقسمیه علیه. و نصوص هم زیاد است:

صحیحه معاویة بن عمار: لایکون قران الا بسیاق الهدی و علیه طواف بالبیت و رکعتان عند مقام ابراهیم و سعی بین الصفا و المروة و طواف بعد الحج و هو طواف النساء و اما المتمتع بالعمرة الی الحج فعلیه ثلاثة اطواف بالبیت. سه طواف: طواف عمره تمتع، طواف حج تمتع، سوم: طواف نساء. و سعیان بین الصفا و المروة.

معتبرة اسحاق بن عمار هم می‌گوید که لولا ما من الله عز و جل علی الناس من طواف النساء لرجع الرجل الی اهله و لیس یحل له اهله. که این وجوب شرطی را می‌گوید.

ما یک وجوب نفسی داریم در طواف نساء. یک وجوب شرطی داریم. وجوب شرطی این است که لایحل النساء بدون طواف النساء. حالا اگر یک مردی است با همسرش اختلاف دارد دنبال بهانه است که طواف نساء نکند بگوید من عذر شرعی دارم، هنوز زن بر من حلال نشده. اصلا نمی‌خواهد ازدواج کند این شخص، نمی‌خواهد ارتباطی داشته باشد با زنی، و لکن وجوب نفسی طواف نساء که از بین نرفته. طواف نساء وجوب نفسی هم دارد بعد از حج.

در کافی چند روایت دارد. اصلا می‌گوید و لیطوفوا بالبیت العتیق طواف الفریضة طواف النساء. که البته در سندش سهل بن زیاد هست. و لذا از جهت سندی مشکل دارد.

بحث دوم این است که ترک طواف نساء عمدا هم باشد مبطل حج نیست. چرا؟ برای این‌که خود همین معتبره اسحاق بن عمار می‌گفت اگر طواف نساء نمی‌کردند لرجع الرجل الی اهل و لیس یحل اهله. تلخی ترک طواف نساء این است که بدون طواف نساء همسر حلال نمی‌شود نه این‌که حج باطل می‌شود. خود این قرینه واضحه است اضافه به تسالم اصحاب که طواف نساء عمدا هم ترک بشود حج باطل نمی‌شود.

[سؤال ... جواب:] لرجع الرجل الی اهله. ... بر می‌گشتند تمام می‌شد. ... یعنی دو روز فقط دلش را این آقا خوش کردید؟ که آقا برگشتی تو که مطمئنا طواف نساء را عمدا ترک کردی در حج حالا برگشتی وطن خودت یک هفته‌ای مانده به آخر ذیحجه در این هفته حجت باطل نیست فقط زنت بر تو حرام است اما یک هفته دیگر حجت باطل است اما از او سخن نمی‌گوید. این خلاف کالصریح این روایات است.

[سؤال ... جواب:] لولا من الله علی الناس بطواف النساء لرجع الرجل الی اهله و لیس یحل له اهله. بر می‌گردد به منزل به خانه‌اش به وطنش در حالی که همسرش بر او هنوز حلال نشده.

[سؤال ... جواب:] فرق نمی‌کند عامه و خاصه. عامه هم ترک طواف نساء بکنند زن‌شان بر آن‌ها حرام است.

روایت دیگر از اسحاق بن عمار است راجع به طواف وداع. حالا می‌خواهید آن را هم می‌خوانم: لولا من الله علی الناس بطواف الوداع لرجعوا الی منازلهم و لاینبغی لهم این یمسوا نسائهم یعنی لاتحل لهم النساء حتی یرجع فیطوف بالبیت اسبوعا آخر بعد ما یسعی بین الصفا و المروة.

[سؤال ... جواب:] حالا طواف وداع جای طواف نساء هم می‌نشیند. ... اگر نذر کرده بودید خلاف ظاهر صحبت کنید انصافا خلاف ظاهر خوبی بود. که ایشان می‌فرمایند لولا من الله علی الناس بطواف النساء لرجع الرجل الی اهله و لاتحل له اهله اما حالا که خدا منت گذاشت طواف نساء را جعل کرد یک چند تا فحش هم می‌دهند که ترک طواف نساء می‌کنند، حالا بعد از این اگر طواف نساء بجا نیاوری هم زن‌تان حرام است هم حج‌تان باطل می‌شود ای مثلا کذا و کذاها. انصافا این خلاف ظاهر است. ظاهرش این است که همین الان حکم می‌دهد.

[سؤال ... جواب:] طواف وداع ظاهرش این است که جایگزین طواف نساء می‌تواند بشود. ... وجوب شرطی. اگر طواف وداع نمی‌کردند طواف نساء هم که نکردند، لرجع الناس الی منازلهم لاتحل لهم نسائهم. ... نه؛ وجوب نفسی عرض نکردم. این دو روایت وجوب شرطی را بیان می‌کند. وجوب نفسی را آن صحیحه معاویة بن عمار بیان می‌کرد که می‌گفت علی المتمتع ثلاثة اطواف.

[سؤال ... جواب:] متعمد که به طریق اولی. ... ظاهرش این است که دیگه ترک طواف نساء اثرش این است که زن حلال نمی‌شود.

بحثی که اینجا هست این است که طواف نساء جزء حج است یا واجب مستقلی است بعد از حج؟ و اگر این واجب مستقل بعد از حج است نائبین محترم این طواف نساء را به قصد خودشان انجام بدهند یا به قصد آن مرحوم مغفور؟ چون ممکن است کسی بگوید واجب مستقل است برای خروج از حرمت نساء، آن آقای خدابیامرز که زیر خاک است، نساء حلال بشود بر او یا حرام، اصلا نساء بر او حرام نشده. این نائب بیچاره نساء بر او حرام شده و لذا واجب است مستقل بر این نائب طواف نساء کند از طرف خودش. بعضی‌ها این را می‌گویند. و لذا اول باید بحث کنیم طواف نساء واجب مستقل است یا جزء حج؟

آقای خوئی فرموده طواف نساء واجب مستقل است. صاحب جواهر هم همین مطلب را دارد. می‌گوید لخروجه عن حقیقة الحج. صاحب جواهر تمسک می‌کند و همین‌طور ‌آقای خوئی به این صحیحه حلبی و صحیحه معاویة بن عمار که در مورد حج قران هست: و طوافٌ بعد الحج و هو طواف النساء. ظاهرش این است که طواف نساء واجب مستقلی است بعد از حج. صاحب جواهر یک صحیحه ابو ایوب خزاز هست او را هم حیف است که نقل نکنیم. راجع به زن حائضی که لم‌‌تطف طواف النساء و لاینتظر جمالها امام مدتی سرشان را زیر انداختند فرمودند این زن که نمی‌تواند بماند جمال هم که صبر نمی‌کند، تمضی فقد تم حجها. صاحب جواهر این‌طور معنا می‌کند. می‌گوید تمضی، برود. چرا؟ چون تم حجها. طواف نساء جزء حج نیست. تم حجها. کانه تعلیل است: لانه قد تم حجها فتمضی. چون طواف نساء متمم حج نیست واجب مستقل است. تم حجها.

اما این صحیحه ابی ایوب خزاز یا ابی ایوب خراز که آقای زنجانی می‌گویند، تمضی فقد تم حجها خلاف ظاهر است این معنا که بگوییم فقد تم حجها حجش تمام است چون طواف نساء جزء حج نیست. نه؛ راجع به همین زن می‌فرماید که برود، چون نمی‌تواند طواف نساء بکند پس حجش تمام است. نه چون طواف نساء جزء حج نیست حجش تمام است. برعکس. تمضی فقد تم حجها.

[سؤال ... جواب:] فقد تم حجها چون این خانم وظیفه‌ای نسبت به مباشرت طواف نساء ندارد بخاطر عسر و حرج چون این‌طوری است فقد تم حجها. چه اشکال دارد؟ فقد تم حجها بسبب عذرها عن طواف النساء مباشرة. فوقش فقهاء گفتند نائب بگیرد. حالا نائب گرفتن لازم است یا نه؟ بحث دیگری است. فقهاء گفتند نائب بگیرد. خودش لازم نیست بماند برای طواف نساء انجام دادن بعد از طهر. شاید جهتش این است. تم حجها نه تم حج کل من لم‌‌یطف طواف النساء. این را که نگفتند.

اما راجع به طوافٌ بعد الحج. خوب گوش بدهید. به نظر ما هیچ ظهور ندارد در این‌که این طواف بعد از تمام حج است. در خصوص حج قران فوقش حج افراد گفتند و طوافٌ بعد الحج. چرا؟ برای این‌که طواف حج، طواف فریضه حج در حج قران و افراد قبل از وقوفین است. و به این لحاظ که الحج عرفة، الحج الوقوف بعرفة، اساس حج همان وقوفین هست.

[سؤال ... جواب:] در روایات ما هم هست. الحج الوقوف بعرفة و رمی الجمار نگاه کنید. ... الحج الوقوف بعرفة و رمی الجمار. ... الحج الاکبر دیگه چه بهتر. الحج الاکبر الوقوف بعرفة و لم‌‌یلجئ ما.

می خواهند بگویند یک طواف قبل از حج است، یعنی قبل از وقوفین است و طواف بعد الحج. در حج تمتع که این‌طور نگفتند. اتفاقا در قبالش گفتند و علی المتمتع ثلاثة اطواف. بعدش هم گفتند و علیه للحج طوافان. متمتع برای حج دو طواف دارد. و علیه للحج طوافان. در حج قران و افراد که گفتند و طواف بعد الحج و هو طواف النساء برای این‌که در مقابل طواف فریضه حج قران و افراد است که نوعا و استحبابا قبل از وقوفین انجام می‌شده. احتمال این معنا هم کافی است که ما دیگه نتوانیم به این روایت تمسک کنیم. ظاهر اولی و علیها للحج طوافان یا علی المتمتع ثلاثة اطواف [همین است] منافات با هم ندارد. طواف عمره تمتع و حج هم دو طواف: طواف فریضه حج و طواف نساء هست.

و لذا به نظر می‌رسد که ظاهر این است که به نظر مشهور طواف نساء متمم حج است و باید در اشهر حج باشد. بر خلاف نظر صاحب جواهر و آقای خوئی که می‌گویند نه؛ طواف نساء جزء حج نیست. الحج اشهر معلومات. ما عمدا می‌گذاریم طواف نساء‌مان را در ماه محرم بجا می‌آوریم.

ما گفتیم الحج اشهر معلومات. نفرمایید این طواف نساء چه جزء حجی است که لایبطل الحج بترکه عمدا؟ آخه هر جزئی ینتفی الکل بانتفائه. می‌شود ما یک جزئی داشته باشیم که لاینتفی الکل بانتفائه؟ جوابش این است که بله؛ می‌شود. جزء الواجب اگر می‌گویید نمی‌شود. جزء الواجب همین است. آن که دخیل در واجب است. اما آن که جزء الحج، جزء الصلاة، می‌تواند چیزهایی باشد که واجب فی واجب. مبیت بمنی مگر جزء حج نیست؟ خود آقای خوئی وقتی می‌گوید قصد قربت است در مبیت منی است می‌گوید چون جزء حج است. لکونه من افعال الحج. با این‌که ترک مبیت بمنی عمدا مبطل حج نیست. جزء حج چه ربطی به جزء الواجب دارد؟ طواف نساء هم جزء حج است.

[سؤال ... جواب:] ثمرش این است که الحج اشهر معلومات. باید در اشهر حج بجا بیاورید در ذیحجه بجا بیاورید. این سببش است.

این راجع به این بحث. بله، اگر شک کردیم در ظهور عرفی این خطابات در این‌که طواف نساء جزء حج است یا واجب مستقل است، آن وقت باید رجوع به اصل عملی بکنیم. اصل عمی می‌گوید برائت جاری کن از شرطیت وقوع طواف نساء در ماه ذیحجه. برائت جاری می‌کنیم می‌گوییم ان شاء الله انجام دادن طواف نساء در ماه ذیحجه واجب نیست. اقل و اکثر می‌شود. این نتیجه این برائت است.

و لذا به نظر ما طواف نساء جزء حج است. باید قصد بکنیم از طرف منوب‌عنه بیاوریم.

[سؤال ... جواب:] حالا اگر کسی عمدا هم طواف نساء را در ماه ذیحجه ترک کند گناه کند ولی بعدا باید قضاء کند. بله؛ یعنی مسلم مقوم صحت حج نیست. اما واجب است. ابتداء که ما طواف نساء را در ماه ذیحجه بجا بیاوریم. چون الحج اشهر معلومات. عمدا هم ترک کنیم باید بعدا بجا بیاوریم. این فرمایش شما درست است. و اصلا اینجا یک چیزی است که یقینا با فوت این شرط اصل عمل باطل نمی‌شود. یعنی اگر ترک کنیم این شرط را در ماه ذیحجه نیاوریم باید بعدا بیاوریم و آن طواف نساء بعدی‌مان صحیح است. ولی عصیان کردیم. برائت می‌گوید نخیر؛ عصیان نکردیم. ولی به شرطی که نوبت به اصل عملی برسد. ما معتقدیم ظهور اولی ادله این است که طواف نساء جزء حج است باید در ماه ذیحجه بجا آورده بشود از طرف منوب عنه هم بجا بیاوریم.

و این هم که آقای خوئی می‌گویند واجب مستقل است باز هم می‌گویند از طرف منوب عنه بجا بیاورید. چرا؟ برای این‌که ظاهرش این است که از شئون حج است. واجب مستقل است اما واجب مستقلی است لمن وجب علیه الحج. ظاهرش این است. و لذا طواف نساء باز واجب مستقل هم باشد از طرف منوب عنه بجا می‌آوریم تا واجب از او ساقط بشود. اثر وضعیش برای نائب هم این است که نساء برای نائب حلال می‌شود. کما این‌که اثر وضعی طواف و سعی از طرف منوب عنه این بود که طیب حلال می‌شود برای نائب.

[سؤال ... جواب:] عرض کردیم اثر وضعی حلق و تقصیر این بود که محرمات دیگر حلال می‌شود بر نائب.

و من الغریب جدا این‌که بعض اعلام صاحب مرتقی فی الفقه الارقی فرمودند احتیاط این است که نائب دو بار طواف نساء بکند. یک بار برای منوب عنه، یک بار برای خودش. احتیاط هم این است دو بار حلق و تقصیر بکند. حالا حلق دو بار نمی‌شود دو بار تقصیر کند: یک بار برای منوب عنه یک بار برای خودش که محرمات احرام بر خودش حلال بشود.

اگر این‌طور است پس طواف و سعی هم دو بار بکند. یک بار برای منوب عنه یک بار برای این‌که طیب بر او حلال بشود. این‌ها بر خلاف سیره قطعیه است و خلاف ظاهر ادله است. ظاهر ادله این است که همین اعمال را انجام بدهید خودبخود حلال می‌شود بر این محرم کل شیء به حلق و تقصیر. به طواف و سعی طیب حلال می‌شود؛ به طواف نساء هم نساء حلال می‌شود. ظاهرش این است که با همین اعمال نه این‌که یک طواف نسائی دومی بجا بیاوریم برای این‌که نساء بر ما حلال بشود، بر ما نائب.

و لذا این هم درست نیست. بقیة الکلام ان شاء الله فردا.